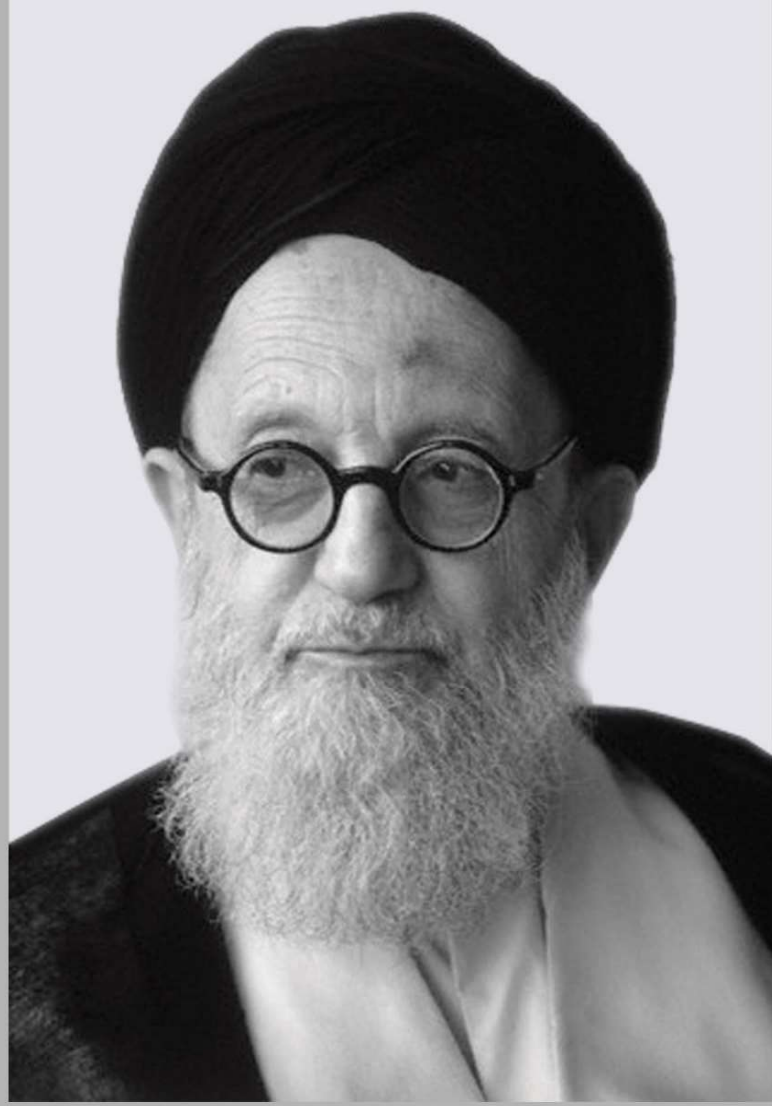


# قیام مردم تبریز پس از انقلاب ۵۷

ایران به روایت روزنامه‌ی "ملیت" ترکیه



آذربایجان میلی دیرنیش تشکیلاتی



# قیام مردم تبریز پس از انقلاب ۵۷ ایران به روایت روزنامه ی "ملیت" ترکیه

\*\*\*

تشکیلات مقاومت ملی آذربایجان

( مرکز تحقیقات آراز نیوز )

گردآوری و نگارش : بابک شاهد

## Azərbaycan Milli Dirəniş Təşkilatı



[www.diranish.com](http://www.diranish.com)

# قیام مردم تبریز پس از انقلاب ۵۷ ایران به روایت روزنامه‌ی "ملیت" ترکیه

\*\*\*

تشکیلات مقاومت ملی آذربایجان

(مرکز تحقیقات آراز نیوز)

گردآوری و نگارش: بابک شاهد



ما در گذشته قانونی داشتیم به نام انجمن‌های ایالتی، این قانون امکان شرکت گروه‌های قومی در اداره‌ی ایالت‌ها توسط خود ایشان را فراهم می‌آورد. اما در دوره‌ی شاه این قانون اجرا نگردید و قدرت مرکزی به تهران وابسته گردید. اگر این قانون اجرا می‌شد دیگر امروز با چنین درخواست‌هایی مواجه نبوده و شاهد حوادث تلخ اخیر نبودیم. این قانون، حق ویژه‌ی نیمه‌تمامی را محقق می‌کرد. آنچه که امروز در کردستان یعنی سندج در حال پیاده شدن است، بسان این قانون است. اگر حق خودمختاری به کردستان داده شود باید به تمامی ایالتها نیز داده شود. در وهله‌ی نخست این حق باید برای آذربایجان در نظر گرفته شود. آیت الله شریعتمداری

## فهرست:

مقدمه / ۲

مختصری در باب روزنامه‌ی "ملیت" ترکیه / ۲

اندیشه‌ی سیاسی آیت الله شریعتمداری به روایت روزنامه‌ی "ملیت" / ۳

گزارش "محمدعلی بیراند" از حرکت‌های ملی فوران کرده در ایران پس از انقلاب / ۵  
تبریز در کنترل آذربایجانی‌ها / ۸

نشریه‌ی "گاردین" و حوادث تبریز / ۱۱

حبس خانگی و دادگاهی شدن آیت الله شریعتمداری / ۱۲

وفات آیت الله شریعتمداری و عصیان دگرباره‌ی تبریز / ۱۵



## مقدمه

پس از پیروزی انقلابی که در سال ۱۳۵۷ هجری شمسی در ایران به وقوع پیوست و بعدها به انقلاب اسلامی ایران در ادبیات سیاسی جهان تبدیل گردید، آذربایجانیان ایران که امروزه به عنوان آذربایجان جنوبی در ادبیات سیاسی از آن یاد می گردد با در نظر گرفتن نقش تاثیرگذارشان در انقلاب ایران و مشاهده ی برخی از اخبار واصله از تهران در خصوص پیش نویس قانون اساسی جدید که قدرت مطلقه ای را برای رهبر دینی جامعه در قامت ولی فقیه رقم می زد، به مرکزیت تبریز دست به اعتراض گسترده ای زدند که در ماههای آتی انقلاب به مبارزه ی مسلحانه با هواداران "حزب جمهوری اسلامی" نیز کشیده شد. اگرچه تاریخنویسان معاصر ایران که اصرار شدیدی بر کتمان بسیاری از حقایق تاریخ ایران که من باب میل تاریخ نویسی فارسی گرا نیست دارند، برخی از حقایق این اعتراضات در تاروپود مواردی که امروزه می تواند به عنوان منبع تاریخنگاری قلمداد گردد، نهفته است. در نوشتار ذیل به ارائه و پنداشت روند تکاملی قیام فوق الذکر به روایت برخی از شمارگان روزنامه ی "ملیت" ترکیه خواهیم پرداخت. نکته ای که از نگاه نگارنده سبب جلب توجه به این منابع می گردد، حضور نگارندگان و خبرنگاران گزارشات این روزنامه در ایران در بحبوحه ی این تحولات می باشد.

## مختصری در باب روزنامه ی "ملیت" ترکیه

نخستین شماره ی روزنامه ی "ملیت" ترکیه در سال ۱۹۲۶ میلادی به مدیرمسئولی "محمود سویدان" منتشر شد. در سال ۱۹۵۴ میلادی به یکی از پرتیراژترین و تاثیرگذارترین روزنامه های ترکیه به سردبیری "عبدی ایپکچی" تبدیل شد. در سال ۱۹۷۰ میلادی تیراژ این روزنامه به دویست هزار نسخه در روز رسید. در سال ۱۹۷۹ میلادی که مصادف با انقلاب ۵۷ ایران می باشد با توجه به وسعت تاثیرگذاری این روزنامه سردبیر آن "عبدی ایپکچی" ترور شد. پس از این تاریخ و وقوع کودتای نظامی در ترکیه این روزنامه شاهد روزهای سختی گردید و ملکیت این روزنامه به خانواده ی "دوغان" از خانواده های ثروتمند و سرشناس ترکیه فروخته شد. در سال ۲۰۱۱ میلادی صاحب امتیازی این روزنامه در قبال هفتادونه میلیون دلار به خانواده های "کاراجان" و "دمیراؤرن" فروخته شد. سایت اینترنتی این روزنامه با هشت و نیم میلیون مخاطب در روز در سال ۲۰۱۱ میلادی به پنجمین سایت خبری پرمخاطب در اروپا تبدیل شد. هم اکنون مدیرمسئولی این روزنامه را "فیکرت بیلا" بر عهده دارد.

## اندیشه‌ی سیاسی آیت‌الله شریعتمداری به روایت روزنامه‌ی «ملیت»

به دلیل فشار سیاسی موجود بر نشر کتاب در ایران تا به اکنون منابع تفصیلی در خصوص اندیشه‌ی سیاسی آیت‌الله شریعتمداری در ایران منتشر نشده است حال آنکه با اندکی کنکاش در خصوص جایگاه آیت‌الله شریعتمداری در فقه شیعه به آسانی می‌توان متوجه شد که اندیشه‌ی ایشان درخور توجهی ویژه می‌باشد. با توجه به موضوع مقاله‌ی ذیل، با بازخوانی صفحات روزنامه‌ی ملیت، یکی از مصاحبه‌هایی که به بیان اندیشه‌ی سیاسی آیت‌الله شریعتمداری می‌پردازد، مصاحبه‌ی «اُورسان اُویمن» خبرنگار روزنامه‌ی ملیت در اورمیه در خلال انقلاب ایران می‌باشد که برای مصاحبه با آیت‌الله راهی قم گردید. در زمانی که اُورسان به مصاحبه با آیت‌الله شریعتمداری پرداخته است هنوز حزب جمهوری اسلامی در قدرت نبوده و از این رو آیت‌الله شریعتمداری در بیان اندیشه‌ی خویش آزادی بیشتری داشته است. خلاصه‌ی مصاحبه‌ی ایشان و محورهای عمده‌ی مصاحبه‌ی «اُورسان اُویمن» که در شماره‌ی ۲۳/۰۴/۱۹۷۹ صفحه‌ی ۹ روزنامه‌ی ملیت مصادف با سوم اردیبهشت ۱۳۵۸ منتشر شده است به قرار ذیل است.

پیش از آغاز مصاحبه آیت‌الله شریعتمداری قبل از پاسخ دادن به سؤالات مطرح شده از خبرنگار روزنامه‌ی ملیت می‌خواهد که پیام وی را با مضمون ذیل به گوش خوانندگان این روزنامه در ترکیه برساند. خلاصه‌ی پیام ایشان بدین مضمون است:

«با در نظر گرفتن شرایط زمانی آلت دست قدرتهایی که خواهان سرکوب و جدائی ما می‌گردند نشویم. وحدت‌مان را حفظ نماییم. درک نماییم که شیعه، سنی و علوی به یک کتاب و به یک خدا باور دارند. در دینمان برای نژادها، زبانها و ادیان تمایزی قائل گردیده نمی‌شود. این مشکل به صورت قطعی در اسلام حل گردیده است. اما در حالی که در اکثر نقاط جهان هنوز به عنوان یک مشکل مهم تلقی می‌گردد. من به تمامی مسلمین جهان به خصوص ترکها علاقه‌ی وافری دارم و می‌خواهم که ملت‌مان نیز این علاقه را داشته باشند و از تلاش من در این راستا می‌توانید مطمئن باشید.»

پس از قید پیام آیت‌الله شریعتمداری، سؤال و جواب بین ایشان و خبرنگار ملیت آغاز می‌شود که محورهای اساسی آن بدین شرح است:

**سؤال** - اسلام به عنوان ایدئولوژی سومی در میان کاپیتالیسم و کمونیزم مشاهده می‌گردد. با توجه به تحولات اخیر آیا به نظر‌تان امکان اراده‌ی کشور توسط اسلام، همچون کشورهایی که با سیستم کمونیستی یا کاپیتالیستی اداره می‌گردند، هست؟ نظر‌تان در خصوص نگاه رسانه‌های غربی بدین مسئله چیست؟

**جواب** - تحولات این را نشان می‌دهد. اسلام دارای قوانین سیاسی و اقتصادی مختص خویش است و برعکس مسیحیت با سیاست عجین گردیده است. اگر این قوانین اسلام به درستی به اجرا درآید می‌تواند حوزه‌ی گسترده‌تری از کاپیتالیسم و کمونیزم را شامل گردد. دو روز پیش با نمایندگان رسانه‌های شوروی دیدار داشتم و تلاش کردم بدانها توضیح دهم که من رهبر سیاسی نیستم و قصد دخالت در امور داخلی شوروی را ندارم. اما علیرغم تمایزات موجود در جهان بینی مسلمانان و کمونیستها وجود روابط حسنه و عادی میان این دو گروه امری عادی است. تفاوت موجود در عقایدمان، نباید سبب ایجاد جدائی در نگاهمان به اصول اخلاقی انسان محور گردد. هر دو گروه باید با احترام به اندیشه‌ی دیگری نگرسته و عمل نمایند.

امیدوارم با این طرز تفکر روابط میان این دو همسایه روز به روز توسعه یابد. اما در خصوص سؤال شما مبنی بر اینکه اسلام می تواند به عنوان نیروی سومی یا به عرصه بگذارد، باید بگویم که امکان اتحاد کشورهای اسلام در زمان حاضر با توجه به شرایط موجود امکان ندارد، چراکه ابرقدرتهای خارجی اجازه ی این امر را نمی دهند. به عنوان مثال امپراطوری عثمانی را در نظر بگیریم. امپراطوری عثمانی توانسته بود ۱۹ کشور را تحت لوای یک پرچم متحد نماید، اگرچه کمکاری حاکمان عثمانی را می توان به عنوان یک فاکتور در نظر گرفت اما نباید نقش قدرتهای خارجی در اضمحلال عثمانی را نادیده انگاشت. چنانکه امروزه احیای امپراطوری عثمانی خیالی بیش نیست امکان اتحاد دنیای اسلام نیز عملی نمی باشد. اما باید کشورهای اسلامی دارای روابط حسنه با یکدیگر بوده و در صلح با یکدیگر به سر برند.

**سؤال** - از این دیدگاه انقلاب ایران را چگونه ارزیابی می کنید؟

**جواب** - دولت موجود در ایران دولتی قدرتمند و ثروتمند بود. پول اگر می خواستی داشت، دارای منابع نفتی بود، پیشرفته ترین سلاحها را در اختیار داشت، ارتشی با ۵۰۰ هزار نفر کادر را دارا بود، در داخل کشور اوتوریتته ی قدرتمندی داشت به گونه ای که کسی حتی اجازه ی نفس کشیدن نداشت، بهترین کمکهای خارجی را دارا بود. هم آمریکا، هم روسیه، هم آلمان و هم انگلستان حامی آن بودند. به جز چند کشور مانند لیبی همه پشتیبان آن بودند. علاوه بر این به جز قشری روشنفکر کسی از احتمالات آتی خبر نداشت. روستائیان راضی بودند چراکه زمین داشتند. کارگران راضی بودند چراکه در سود کارخانه ها شریک شده بوده اند. از اینرو در کوران آنچه می گذشت نبودند. در تغافل قدرتهای خارجی و با در نظر گرفتن این شرایط، انقلاب ایران تنها به نیروی دین توانست محقق گردد. اگرچه ایران کشوری است که صددرصد اوامر دینی را مردمان آن اجرا نمی کنند ولی کشوری بود که احترام خاصی برای دین قائل بودند و بواسطه ی این احترام بود که بدون سلاح، بدون پول و بدون کمک خارجی توانست انقلاب را محقق نماید. در گذشته، علمای دینی را نمایندگان تفکر مرتجع نشان می دادند که خواهان بازگرداندن قوانین قرون وسطائی هستند و علمائی دینی در مقابل این تبلیغات به دفاع از این تز پرداختند که شماها و طرفداران شاه مرتجع هستید چراکه قوانین جنگل را بر کشور حکمفرما نموده اید.

**سؤال** - بسیار خوب، عدالت اسلامی چگونه می خواهد در جمهوری اسلامی پیاده گردد؟ آیا در برابر ارگانی که به تصویب قوانین خواهد پرداخت رهبر دینی حقی بسان حق وتو خواهد داشت؟

**جواب** - در بنیان فلسفه ی جمهوری اسلامی اعمال قدرت از سوی گروه یا فرد خاصی بر دیگران موضوع بحث نیست. قدرت از آن ملت است و این اعمال قدرت باید از سوی مردم صورت گیرد که باید توسط مجلس ملی باشد. اما در خارج از مجلس ارگانی مدیریتی وجود خواهد داشت که به بررسی مطابقت یا تضاد این قوانین با قانون اساسی یا قوانین اسلام خواهد پرداخت. در زمان شاه بسیاری از قوانین مصوبه مخالف قانون اساسی بود و چنین ارگانی وجود نداشت. اصولاً در اسلام موارد ممنوعه بسیار اندک بوده و مشخص می باشند. از این رو این ارگان بیشتر به بررسی عدم تعارض قوانین مصوبه با قانون اساسی خواهد پرداخت.

**سؤال** - از آنجائی که بنیان اسلام علاوه بر قائلیت احترام به حقوق فردی به حقوق اقلیتها و جوامع قومی نیز با دیده ی احترام می نگرد، درخصوص درخواستهای اقوام ترکمن، کرد، آذری و بلوچ قانون اساسی جدید چگونه با این مسئله برخورد خواهد کرد؟

**جواب-** ما در گذشته قانونی داشتیم به نام انجمنهای ایالتی، این قانون امکان شرکت گروههای قومی در اداره ی ایالتها توسط خود ایشان را فراهم می آورد. اما در دوره ی شاه این قانون اجرا نگردید و قدرت مرکزی به تهران وابسته گردید. اگر این قانون اجرا می شد دیگر امروز با چنین درخواستهایی مواجه نبوده و شاهد حوادث تلخ اخیر نبودیم. این قانون، حق ویژه ی نیمه تمامی را محقق می کرد. آنچه که امروز در کردستان یعنی سنج در حال پیاده شدن است، بسان این قانون است. اگر حق خودمختاری به کردستان داده شود باید به تمامی ایالتها نیز داده شود. در وهله ی نخست این حق باید برای آذربایجان در نظر گرفته شود. رژیم کنونی اجازه ی شریک شدن در مدیریت مناطق، حق تحصیل و سخن گفتن به زبانهای بومی را داده است، اما زبان رسمی فارسی در نظر گرفته شده است و تمایم ارضی نیز محقق گردیده است.

### گزارش "محمدعلی بیراند" از حرکت‌های ملی فوران کرده در ایران پس از انقلاب

"محمدعلی بیراند" از جمله روزنامه نگاران مشهور ترکیه بود که با مصاحبه ها، خبرها و گزارشهای جنجالی اش در تاریخ روزنامه نگاری ترکیه جایگاهی برتر را از آن خویشتن نمود. وی که در سال گذشته بدوود حیات گفت در دوران جوانی خویش جز خبرنگاران روزنامه ی معتبر و پرتیراژ "ملیت" ترکیه نبوده است. با سقوط حکومت پهلوی در ایران و تا زمان تثبیت قدرت از سوی حزب جمهوری اسلامی ایران، "محمدعلی بیراند" به عنوان خبرنگار این روزنامه راهی تهران گردیده و گزارشهایی از انقلاب ایران را در روزنامه ی "ملیت" ترکیه منتشر نمود. از جمله گزارشهای وی که موضوع بحث نوشتار ذیل است، حرکت‌های قومی-ملی ظهور یافته در ایران پس از سقوط پهلوی و در هنگامه ی ایجاد خلأ اقتدار مرکزی است. این گزارش که در صفحه سوم روزنامه ی "ملیت" به تاریخ ۱۴/۰۴/۱۹۸۰ میلادی مصادف با ۲۵ فروردین ۱۳۵۹ منتشر شده است حاوی پنج بخش می باشد که در بردارنده ی حرکت‌های قومی-ملی گروه‌های ملی گوناگون در ایران است.

مقدمه: "بیراند" در ابتدای گزارش خویش جمعیت گروه‌های ملی غیرفارس را در ایرانی به جمعیت سی و پنج میلیون نفر را، بیست و سه میلیون ذکر نموده و گزارش با بیان این امر که این جمعیت غیرفارس در حکومت پهلوی مورد شدیدترین تبعیض ها و رفتارهای غیرانسانی واقع گشته اند و اکنون با سرنگونی این حکومت گروه‌های ملی غیرفارس از آزادی به بار آمده استفاده نموده و در پی احقاق حقوق خویش هستند، آغاز می گردد. سپس وی ایران آن زمان را به بمبی ساعتی تشبیه می نماید که با کوچکترین جرقه احتمال انفجار وجود دارد. وی ریشه ی این اعتراضات را پس از سرنگونی حکومت پهلوی عدم پایدی سران انقلاب ایران به شعارهای خویش در خصوص حقوق ملیت ها بیان می دارد. سپس تنها را خروج ایران از این وضعیت را اتخاذ سیاستهای دین گرایانه و عدم تحریک در برابر محرک‌های خارجی بیان می دارد و در پی آن به حکومت آنکارا پیشنهاد می کند که چون در صورت بروز هرگونه تغییرات قومی در ایران اولین کشوری که از این تغییرات متاثر خواهد شد ترکیه می باشد از این رو آنکارا باید سیاستهای دوستانه و واقع گرایانه ای را با تهران در پیش گیرد. پس از این مقدمه "محمدعلی بیراند" آناومی جنبش های گریز از مرکز موجود در ایران را بدین گونه شرح می دهد:

**کردستان:** بیراند در حالی کلی در خصوص محل اسکان کردها چنین می نویسد: "برجسته ترین این حرکات مربوط به کردهاست. کردها در ایران در سه منطقه ی ذیل اسکان دارند: (۱) مناطق هم مرز با عراق شامل بر استان های کردستان و کرمانشاه، (۲) بخش هایی از استان آذربایجان غربی هم مرز با ترکیه، (۳) استان ایلام. " سپس به گروهبندی های موجود در میان تشکیلات های سیاسی کرد پرداخته و بیان می دارد که: "در زمان شاه که کردها مرود شدیدترین اجحافهای واقع شده اند به دلیل حمایت خارجی موجود از ایشان و سلاحهای ارسالی به گروههای کردی، دارای انتظام می باشند. سیاسیون کرد به چهار گروه تقسیم می شوند که در مانفیفستی ۲۶ ماده ای تمامی این تشکیلاتها به اتفاق نظر دست یافته اند. این گروهها عبارتند از: - حزب دموکراتیک کرد: رهبر این حزب "قاسملو" می باشد که داری ایدئولوژی چپ بوده و وابسته به مسکو می باشد، در ضمن این حزب ناسیونالیست های کرد را نیز در بردارد.

- گروه عزالدین حسین: این گروه، گروهی مذهبی بوده که قدرت اش وابسته به رهبران دینی کرد است.  
- شاخه ی کرد فدائیان خلق: این حزب ایدئولوژی مارکسیستی - انقلابی داشته و علیرغم اینکه در بروز انقلاب نقش بسزایی داشته اند اما در صف مخالفان خمینی قرار دارند.

- کومله: این گروه علیرغم گرایش مارکسیستی اش طرفدار مسکو نبود و گروه نیرومند مسلح می باشد." در ادامه ی گزارش "بیراند" بیان می دارد که این گروهها علیرغم داشتن اختلاف در مواردی همچون تشکیل کردستان متشکل از چهار استان آذربایجان غربی، کردستان، کرمانشاه و ایلام اتفاق نظر دارند. و گروهی متشکل از رهبران این چهار گروه سیاسی خواستار مذاکره با آیت الله خمینی گشته اند که آیت الله خمینی دیدار با این گروهها را رد نموده است.

**آذربایجانی ها:** "بیراند" شمار تُرکان ایران را ۱۴ میلیون نفر ذکر می کند که قسمت اعظم این تُرکان و جمعیتی بالغ بر ۱۲ میلیون نفر را آذربایجانی ها تشکیل می دهند. بنا به نظر "بیراند" آذربایجانی ها خود را تُرک قلمداد می نمایند اما وابستگی فرهنگی شان به ترکیه از منظرگاه زبان و فرهنگ چندان بارز نیست. علیرغم این موضوع این گروه ملی پتانسیل قوی در جهت منافع ترکیه در ایران را فراهم آورده است. به نظر "بیراند" فرهنگ آذربایجانی ها در زمان شاه نادیده گرفته شده بود و به سبب روابط شاه ایران و ترکیه همواره حکومت آنکارا از کمک بدین گروه ملی دوری جسته است. در زمان وقع انقلاب آذربایجانی تلاش می کنند که جایگاه از ست رفته ی خود در حکومت ایران که قبل از پهلوی صاحب آن بوده اند را به دست آورند و شدیداً به دنبال خودمختاری فرهنگی به خصوص در زمینه ی آموزش می باشند. مرکز فعالیتهای آذربایجانیان دو شهر تبریز مرکز آذربایجان شرقی و اورمیه مرکز استان آذربایجان غربی می باشد و رهبر دینی این گروه قومی آیت الله شریعتمداری می باشد که در زمان نگارش گزارش "بیراند" بنا به اذعان وی در حبس خانگی بوده است. بنا به نوشته ی "بیراند" مشکل اصلی آذربایجانیان با آیت الله خمینی علیرغم شیعه بودن این گروه قومی در اصل ولایت فقیه می باشد.

**ترکمستان:** سومین گروه ملی که "بیراند" به ارائه ی گزارش از آنها می پردازد ترکمن های ایران می باشد. به گفته ی "بیراند" این گروه قومی-ملی به تورکی با لهجه ی خالص ترکی آسیای میانه سخن گفته و دارای ارتباطات معنوی عمیقی با ترکیه هستند. به گفته ی "بیراند" جمعیت این گروه قومی-ملی نزدیک به هفتصد هزار نفر می باشد. ترکمن ها به دلیل سنی بودن با آیت الله خمینی میانه ی خوبی نداشته و به نظر "بیراند"



با وقوع انقلاب در ایران این گروه با بازپس‌گیری زمین‌هایشان که در زمان «انقلاب سفید» شاه از دست داده بودند و اداره‌ی این زمینها به دست خویش‌خشنود گشته و حکومت ایران نیز در قبال حرکت‌های آنها واکنش شدیدی نشان نمی‌دهد.

**اعراب سنی:** گروه قومی دیگری که «بیراند» به نگارش وضعیتشان می‌پردازد، اعراب ایران می‌باشد. «بیراند» جمعیت این گروه را دو الی سه میلیون نفر ذکر می‌کند که در مرز ایران و عراق ساکن هستند و به دلیل تمایز دینی و ملی با فارس‌ها و حمایت‌های خارجی که از آن‌ها می‌شود توانسته‌اند جنبشی بارز را بیافرینند. با اعلام مذهب شیعه به عنوان مذهب رسمی کشور این گروه به تقابل خشونت‌طلبانه دست یازیده و منابع و لوله‌های نفتی را هدف حملات خویش قرار داده‌اند. این گروه هدف آشکار خویش را از این عملیات‌ها بیان نمی‌دارد و تمرکز فعالیت‌اش در خوزستان است؛ به گونه‌ای که بارهای با ارتش درگیر شده است اما آنچه که بارز است سهم‌خواهی اعراب ایران از نفت موجود در منطقه‌شان می‌باشد.

**بلوچستان:** آخرین گروه قومی-ملی که «بیراند» به ارائه‌ی گزارش در باب آنها می‌پردازد بلوچ‌ها می‌باشد. «بیراند» جمعیت این گروه را بالغ بر یک میلیون نفر ذکر می‌کند که با ورود ارتش شوروی به افغانستان نه تنها در ایران جلب توجه نمودند بلکه توانستند دقت سیاستمداران جهانی را جلب نمایند. «بیراند» مردم این گروه قومی-ملی را افرادی خشن ذکر می‌نماید که به دلیل بی‌توجهی اقتصادی به منطقه‌ی شان که در هم مرز با افغانستان و پاکستان می‌باشد به قاچاق مشغول بوده و به لحاظ پایبندی به مذهب سنی مخالف سرسخت حکومت مرکزی ایران می‌باشند. شوروی‌ها به دلیل اینکه می‌توانند از طریق این گروه به آبهای آزاد خلیج راه یابند در برهه‌های مختلف در مقام کمک به این گروه برآمده و نقش قابل توجهی در عصیانهای آنها داشته‌اند.

در پایان گزارش «محمدعلی بیراند» در کنار مشکلی که ملت‌های تحت ستم در ایران می‌تواند برای آن به بار آورد، مشکل اقتصادی موجود را از جمله مشکلات مهم ایران بیان داشته و گزارش را به اتمام می‌رساند.

## تبریز در کنترل آذربایجانی ها

پس از سرنگونی حکومت پهلوی، سیستم نوپای ایران شاهد فضایی شکننده گشت. این شکنندگی بیشتر نشات گرفته از این موضوع بود که اکثر مبارزینی که بر علیه دیکتاتوری محمدرضا پهلوی مبارزه می کردند جهان بینی همگرایی نداشتند. مخالفین محمدرضا پهلوی طیف گسترده ای را شامل می شدند که در پیروزی انقلاب از تندروترین گروههای چپ گرا چون چریکهای فدائیان خلق تا گروههای لیبرال-ناسیونالیستی چون جبهه ی ملی و نهضت آزادی را در یک صف قرار داده بود. این گوناگونی جهان بینی ها و انتظارات از انقلاب بود که در روزهای نخستین تغییر حکومت پهلوی این گروهها را در مقابل هم قرار داد و صحنه ی سیاست ایران شاهد رقابت گروههای مختلف بر سر تصاحب قدرت و تاثیرگذاری در اداره ی حکومت نوین شد. اما در این میان قشری از انقلابیون بودند که تشکلگرایی شان متفاوت با دیگر گروهها بود. این قشر روحانیون شیعی بودند که مرکز ثقل وجودی شان مساجدی بودند که نقش واسط میان گفتمان ایشان و توده ی مردم را ایفا می نمود. این روحانیون علیرغم اینکه سازمان منضبطی مبتنی بر سازمان گرائی کلاسیک نداشتند بواسطه ی تبلیغات صورت گرفته در خصوص آیت الله خمینی و آفرینش چهره ای کاریزماتیک از وی و رابطه ی تنگاتنگ با توده ی مردم توانستند در همان روزهای اول انقلاب، حضور خویش در اداره ی نوین کشور را تثبیت نمایند. در این میان طرفداران آیت الله خمینی جهت کاستی زدائی از عدم وجود حزبی منسجم، حزب جمهوری اسلامی را پایه گذاری کردند و نخستین گامها جهت نگارش قانون اساسی جدید برداشته شد. با ارائه ی پیش نویس قانون اساسی مواردی مشاهده گردید که نشان از ظهور نوع جدیدی از دیکتاتوری، این بار مبتنی بر مذهب و انکار دگرباره ی حقوق ملت‌های غیرفارس ساکن در ایران می داد. به دنبال قطعی شدن این تهدید، گوشه گوشه ی ایران شاهد قیام‌های ملت‌های غیرفارس گردید. یکی از این قیامها، قیام آذربایجانیان در ایران بود.

مردم آذربایجان در ایران، هنگامی که مشاهده نمودند سیستم جدید ره به مسیری می پیماید که دگرباره کشور شاهد دیکتاتوری گشته و آذربایجانیان علیرغم نقش تاثیرگذارشان در انقلاب ایران بواسطه ی شهدای بسیار و رهبری دینی آیت الله شریعتمداری که جان آیت الله خمینی را قبل از انقلاب از مرگ رها کرده همچنین مقدمات بازگشت وی به ایران را فراهم نموده بود، از کوچکترین حقوق ملی و انسانی خویش بی بهره خواهند ماند اقدام به تشکیل حزبی با عنوان "حزب خلق مسلمان" نمودند. هیئت مؤسس این حزب پس از تشکیل راهی قم گردیده و در دیدار با آیت الله شریعتمداری خواستار حمایت آیت الله از آنان گردیدند که آیت الله شریعتمداری این درخواست ایشان را قبول نمود و به نوعی تبدیل به رهبر معنوی این حزب گردید. این حزب اساساً بر دو محور خواسته‌های خویش را بیان می نمود. محور نخست، خودمختاری آذربایجان ایران؛ محور دوم، مخالفت با اصل ولایت فقیه. دیری نپایید که این حزب با استقبال آذربایجانیان مواجه گشت و توانست هزمونی خود بر آذربایجان جنوبی را اعمال نماید و در نخستین اقدام به در دست گرفتن کنترل مرکز رادیو-تلویزیون تبریز پرداخت و سپس مراکز امنیتی بسیاری به تصرف این حزب درآمدند. به دست گرفتن کنترل اداره ی تبریز توسط آذربایجانیان در شماره ی ۹/۱۲/۱۹۷۹ صفحه ی ۳ روزنامه ی "ملت" چاپ ترکیه با تیتیر "تبریز در کنترل آذربایجانی ها" درج گردیده است؛ که در ذیل ترجمه ی عین این خبر آورده می شود:

«هواداران دومین روحانی مهم ایران، آیت الله شریعتمداری کنترل شهر تبریز در شمالغربی این کشور را به دست گرفتند. در این میان با انتشار بیانیه‌ی ای اعلان نمودند که بدون اجازه‌ی آیت الله شریعتمداری با هیچ نماینده‌ی ای از طرف آیت الله خمینی دیدار نخواهند کرد. یکی از سخنگویان آذربایجانی‌هایی که مرکز رادیو و تلویزیون تبریز را در اشغال خود دارند بیان نمود که بدون صدور فرمان از سوی آیت الله شریعتمداری با حتی بازرگان نیز حاضر به دیدار نیستیم. از سوی کردهایی که آنها نیز خودمختاری می‌خواهند با صدور بیانیه‌ی ای حمایت خویش از آذربایجانی‌هایی که کنترل تبریز را به دست گرفته‌اند بیان نمودند. در مقابل این پیام حمایت حزب دموکرات کردستان ایران، حزب توده در بیانیه‌ی ای اعلان نمود که این اتفاق بازی از سوی طرفداران آمریکا برای تحت فشار قرار دادن خمینی می‌باشد. در این میان بنا به خبر رادیو تهران، دیشب خمینی و شریعتمداری با هم دیدار نموده بودند. پس از این دیدار نیم ساعته آیت الله شریعتمداری در مصاحبه‌ی ای که با خبرنگاری «پارس» نموده بود این دیدار را سازنده و مفید بیان کرد.»

شماره‌ی ۷/۱۲/۱۹۷۹ روزنامه‌ی ملیت با تیتر «۳۰ هزار آذربایجانی در خیابانهای تبریز» به راهپیمایی گسترده‌ی مردم تبریز در حمایت از آیت الله شریعتمداری می‌پردازد. بنا به مندرجات موجود در این شماره، پس از تحت کنترل قرار گرفتن تبریز توسط هواداران حزب خلق مسلمان، هواداران آیت الله خمینی در شهر قم به منزل شریعتمداری حمله برده و در این حمله دو تن از محافظان آیت الله کشته می‌شوند و شیشه‌های خانه‌ی وی شکسته شده و قسمتهایی از منزل ایشان تخریب می‌گردد. با رسیدن این خبر به تبریز، مردم تبریز در واکنش بدین اقدام هواداران آیت الله خمینی اقدام به راهپیمایی گسترده در تبریز می‌نمایند. ترجمه‌ی متن این خبر که بدین حادثه اختصاص دارد، بدین شرح است:

«آیت الله شریعتمداری، رهبر تُرکان آذری در ایران و از روحانیون میانه‌رو، روز گذشته در خانه‌ی خود در شهر قم هدف حمله‌ی یک گروه قرار گرفت. در این حمله که ماهیت سوء قصد داشت، یکی از محافظان آیت الله و یک فرد نظامی کشته شدند. به دنبال این حادثه نزدیک به سی هزار نفر از مردم تبریز اقدام به تظاهرات نموده و خواستار مرگ مهاجمین شدند. به دنبال این راهپیمایی، رادیو-تلویزیون تبریز به اشغال راهپیمایی کنندگان درآمده و سپس به استانداری کل و بانک ملی مرکزی حمله کردند و در این حمله یک تانکر را واژگون نموده و سه عضو سپاه پاسداران را به گروگان گرفتند. در این اثنا راهپیمایی کنندگان خواستار استعفای وزیر امور خارجه، قطبی زاده و دادستان کل انقلاب گشتند. در پی این حوادث، آیت الله خمینی برای نخستین بار به خانه‌ی آیت الله شریعتمداری رفته و به مدت نیم ساعت با ایشان ملاقات نمود.»

اما علیرغم این دیدار، آیت الله خمینی بنا به شماره‌ی ۱۰/۱۲/۱۹۷۹ روزنامه‌ی ملیت حوادث تبریز را دسیسه‌ی بیگانگان قلمداد نموده و خواستار سرکوب معترضین می‌گردد. بنا به این شماره: «پس از مدتی که رادیو-تلویزیون تبریز در اشغال تُرکان آذری و هواداران آیت الله شریعتمداری بود، روز گذشته در درگیری روی داده توسط هواداران آیت الله خمینی بازپس گرفته شد. پیش از بازپس‌گیری رادیو-تلویزیون، شریعتمداری در بیانیه‌ی ای اعلان نمود که پس از این در خصوص تمامی حوادث، حکومت مسئول می‌باشد. شریعتمداری در این بیانیه از حکومت خواست که از برداشتن گامهای اشتباه اجتناب بورزد. در برابر بیانیه آیت الله شریعتمداری، آیت الله خمینی بیانیه‌ی ای صادر نموده و بیان نموده‌اند که، اشغال رادیو-تلویزیون تبریز ریشه در کشورها و قدرتهای خارجی دارد. در گرماگرم این حوادث، درگیری شدیدی میان تُرکان آذری و هواداران آیت الله خمینی

در فرودگاه تبریز گزارش می‌شود. بنا به اخبار رسیده، در این درگیری‌های روی داده در فرودگاه و قسمتهای مختلف شهر تعداد زیادی از افراد زخمی شده‌اند.

در پی این درگیریها شماره ی ۱۱/۱۲/۱۹۷۹ روزنامه ی ملیت از اشغال دوباره ی رادیو-تلویزیون تبریز، توسط حزب خلق مسلمان که روز پیش از سوی هواداران آیت الله خمینی بازپس گرفته شده بود، خبر داد، بنا به این شماره از روزنامه ی ملیت:

”درگیری میان آذریهای طرفدار آیت الله شریعتمداری و هواداران آیت الله خمینی ادامه دارد. ساختمان رادیو-تلویزیون که چندین بار بین این نیروها دست به دست شده بود سرانجام در دست آذری ها باقی ماند. در بیشتر مراکز و بناهای رسمی هواداران آیت الله شریعتمداری حاکم هستند.“

پس از آنکه تبریز به کنترل آذربایجانی‌های طرفدار آیت الله شریعتمداری درآمد، حکومت تهران برآشفته گردید و آیت الله خمینی در پیام رادیویی که در تاریخ ۱۰/۱۲/۱۹۷۹ میلادی مقارن با ۲۰ آذر ۱۳۵۸ هجری شمسی صادر نمود، این اعتراضات را وابسته به دولتهای بیگانه نشان داده و خواستار سرکوب شدید معترضین گردید. این پیام رادیویی آیت الله خمینی فردای صدور در شماره ی ۱۱/۱۲/۱۹۷۹ روزنامه ی ملیت صفحه هشتم با جملات زیر درج گردید:

”با تشدید درگیری میان هواداران آیت الله شریعتمداری و طرفداران آیت الله خمینی در شهر تبریز، دیروز آیت الله خمینی طی پیامی که دیروز از رادیو تهران پخش گردید از مردم خواست که با معترضین برخورد نموده و آنها را دستگیر و تسلیم مقامات قضائی نمایند. وی در این پیام، بیان نمودند که معترضین جاسوسهای بیگانگان هستند و افرادی که آشوب برپا می‌کنند تبریزی نبوده و جاسوسهایی هستند که از طرف بیگانگان حمایت می‌شوند و این افراد کسانی هستند که در مقابل اسلام ایستاده‌اند. وی گفتند که ما برای خاتمه ی این درگیری‌ها نمی‌خواهیم دست به استفاده از نیروهای قهرآمیز بزنیم. چراکه سیاست ما حل مسائل از طریق راههای مصالحت آمیز می‌باشد.“

این روزنامه در همین شماره ی خود وضعیت آن روز تبریز را چنین بیان می‌نماید:

”از سوی دیگر، درگیری‌ها میان هواداران دو طرف ادامه دارد. بسیاری از مراکز رسمی در شهر در اختیار هواداران شریعتمداری است و تُرکان آذری در موقعیت برتر هستند. در مقابل خبر دیروز رادیو تهران بسیاری از آژانسهای خبری خارجی بیان نموده‌اند که بیشتر مراکز رسمی در اختیار آذری‌هاست.

از سوی دیگر، عبدالحسن بنی صدر، وزیر اقتصاد و تجارت ایران، با هیئتی برای حل مشکل راهی تبریز گردید. در این هیئت، وزیر برنامه و بودجه، عزت الله سحابی و مسئول کمیته‌های انقلاب آیت الله مهدوی‌کنی نیز حضور دارند. صدر، پس از حضور در تبریز با حاضر شدن در رادیو تبریز هدف حضور هیئت را حل مشکل موجود در آذربایجان شرقی بیان نمود.

درگیریهایی که از هفته ی گذشته با حمله به منزل آیت الله شریعتمداری در شهر قم آغاز گردید و منجر به کشته شدن دو نفر گردید سبب شعله ور شدن درگیریهایی شد که تا به اکنون دارد. خمینی در شب گذشته از آیت الله شریعتمداری خواست که از حزب خلق مسلمان اعلان برائت نماید که آیت الله شریعتمداری مخالفت نموده و بیان کردند که از این حزب حمایت می‌نمایند.“

## نشریه ی "گاردین" و حوادث تبریز

به دنبال این حوادث، وضعیت شهر تبریز در جرائد بین المللی انعکاس پیدا نمود. یکی از این نوشتارها تحلیل نشریه ی "گاردین" از این حرکت و روان جمعی تُرکان آنادولو بود. این تحلیل نشریه ی گاردین که در شماره ی ۱۳/۱۱/۱۹۷۹ روزنامه ی ملت درج گردید به بیان این امر می پردازد که تفکر جمعی مردمان ترکیه بدین قیام تُرکان ایران بی تفاوت است و علت این بی تفاوتی عدم آگاهی ایشان از وجود تُرکان ایران است. چنانکه این ناآگاهی توسط سیاستمداران تُرک آفریده شده است. بنا به سطور موجود در این تحلیل اگر مردم ترکیه از وجود تُرکان ایران و حرکت هویت خواهی آنها آگاه بودند تحت فشار جو عمومی حکومت مجبور به واکنش بدین قیام آذربایجانیان بسان مسئله ی قبرس شمالی می گردید. ترجمه ی برخی از سطور این تحلیل گاردین به روایت روزنامه ملت به شرح ذیل است:

"پس از بروز درگیری میان تُرکان آذری در شمال ایران با حکومت خمینی، نشریه ی گاردین تحلیلی به امضای دیوید بارچارد در خصوص تُرکان ایران و تُرکان آناتولی منتشر نمود. در این نوشتار مختصراً موارد زیر مطرح گردید: از هم اکنون برخی از راستگرایان آغاز به شبیه سازی مورد روی در ایران با قضیه ی قبرس نموده اند. اما عموماً تفکر عمومی ترکیه از وقایع تبریز به اندازه ی قبرس تحت تاثیر قرار نگرفته است. علیرغم اینکه لهجه ی تُرکان آذربایجانی با تُرکان آناتولی تفاوت چندانی ندارد ولی تاریخ آنها را از یکدیگر جدا افکنده است. این جدائی با شکل گیری جمهوری ترکیه در سال ۱۹۲۳ تماماً تکمیل گردید. در سالهای نخست جمهوریت، آتاتُک از ادعاهای ارضی صرف نظر نمود. تفکر پان تورانیزم نیز که خواهان اتحاد تُرکان بود به کناری نهاده شد. در این میان تنها مهاجرین آذربایجانی که از شوروی فرار کرده بودند تلاش در زنده نگاه داشتن ملی گرایی تُرک نمودند. فعالیت این گروهها در ترکیه سبب اختار به حکومت ترکیه در سال ۱۹۷۴ شده بود.

وجود اقلیت تُرکان آذری در ایران روابط شاه با ترکیه را نیز تحت تاثیر قرار داده بود. هیچگاه مفاد تفاهم نامه ی تدریس زبان تُرکی در دانشگاه های ایران که میان ایران و ترکیه منعقد گردیده بود در ایران به اجرا در نیامد. شاه از اجازه ی تدریس زبان مادری ۱۶ میلیون تُرک ایران همواره امتناع ورزیده بود. به جز آذربایجانیان، تُرکان موجود در گنبدکاووس نیز داخل در این امر هستند. ترکمنها تابستان گذشته قیام نموده بودند.

امروزه نیز بسان گذشته رادیو آنکارا هویت ملی و تُرکی گروههای معترض در ایران را کتمان نموده و تنها از واژه ی گروههای قومی استفاده می نماید. بنا به شواهد موجود، رادیو آنکارا، از واکنش ترکیه ایها در صورت آگاهی از تُرک بودن معترضین در ایران ترسیده بود. در این هفته آژانس خبری آنادولو به دلیل استفاده از لفظ جدائی خواه برای آیت الله شریعتمداری مورد اعتراض واقع شد. بدین سبب تفکر عمومی ترکیه تحت تاثیر سیاست حاکمان از رویدادهایی ایران دور نگه داشته شده است. تُرکان ایران به آن اندازه در ترکیه شناخته شده نیستند که بتوانند کمکی دریافت نمایند. از سوی دیگر وضعیت سیاست داخلی ترکیه نیز به عنوان عاملی نگه دارنده عمل می نماید."

## حبس خانگی و دادگاهی شدن آیت الله شریعتمداری

شماره ی ۹/۱/۱۹۸۰ روزنامه ملیت، وضعیت شهر تبریز و دستگیری آیت الله شریعتمداری را اینگونه توضیح می دهد:

«بنا به گزارشهای رسیده درگیریهایی موجود در شمال و جنوب ایران شدیدتر گشته است. در تبریز هزاران نفر به خیابانها ریخته و کمیته مرکزی سپاه پاسداران را به آتش کشیده اند.

بنا به اظهارنظرها، به دنبال وقایع اخیر رهبر ترکان آذری ایران دستگیر گشته است. در هفته ی گذشته به دلیل درگیریهایی شدید روی داده میان افراد مسلح طرفدار شریعتمداری و سپاه پاسداران انقلاب، نام شریعتمداری کاملاً داخل در لیست سپاه گردید. در این میان شریعتمداری از هواداران خود خواست که بویژه امروز که مصادف با ربیعین و روز ماتم است از داخل شدن در اغتشاش دوری گزینند. علیرغم این مسئله امروز در تبریز، مرکز ایالت آذربایجان احتمال بروز درگیری گسترده وجود دارد.»

به دنبال ارائه ی این گزارشات در خصوص وقایع تبریز، شماره ی ۱۱/۱/۱۹۸۰ روزنامه ی ملیت خبر از اعزام نیروهای نظامی به تبریز، تشدید درگیری ها و کشته شدن ۱۰ نفر از آذربایجانی ها در این درگیری ها می دهد. بنا به سطور موجود در این شماره:

«پس از تشدید درگیریها میان هواداران آیت الله شریعتمداری و طرفداران آیت الله خمینی، ده تن در این درگیریها کشته شده و شهر به کنترل نیروهای نظامی درآمد. بر اثر انفجار تانکر نفت در نزدیکی خلیج ایران و در شهر آبادان نیز ۷ نفر کشته و ۱۷ نفر زخمی گشته اند.»

با کنترل شهر تبریز توسط نیروهای نظامی، اگرچه در ظاهر سکون نسبی در شهر حاکم گشت ولی ده روز بعد خبری در روزنامه ی ملیت و به دنبال آن تحلیلی از سوی «محمدعلی بیراند» روزنامه نگار مشهور ترکیه ای درج گردید که وسعت اختلاف میان آذربایجانیان با حکومت مرکزی را نشان می داد. بنا به خبری که در شماره ی ۲۱/۱/۱۹۸۰ روزنامه ی ملیت درج گردید، بیست نفر افسر ارتش در تبریز به جرم خارج نمودن سلاح از مراکز نظامی و توزیع آن بین مردم تبریز دستگیر گشته و دادگاهی گشتند. بنا به این خبر:

«بنا به خبرهای رسیده، بیست افسر ارتش ایران در تبریز، مرکز ایالت آذربایجان که در شمالغربی ایران قرار دارد به اتهام توطئه چینی بر علیه انقلاب ایران دستگیر گشته اند. در عین حال سی نفر دیگر نیز بدین اتهام تحت تعقیب قرار دارند. اتهام افراد دستگیر شده و تحت تعقیب اشتراک در درگیریهایی روی داده در ده روز پیش در تبریز می باشد. بنا به اعلان منابع خبری، بیست نفر فرد دستگیر شده به جرم خود اعتراف نموده و بیان نموده اند که سلاحهای ارتش را از مراکز نظامی خارج نموده و در بین اعضای حزب خلق مسلمان و هواداران آیت الله شریعتمداری توزیع نموده اند. احتمال دادگاهی شدن یک سروان و دو درجه دار از میان دستگیر شده گان در دادگاه انقلاب در روز جاری وجود دارد.»

دو روز پس از انتشار این خبر، محمدعلی بیراند به نگارش تحلیلی در خصوص وضعیت موجود در ارتش ایران پس از انقلاب در شماره ی ۲۳/۱/۱۹۸۰ این روزنامه می پردازد. بنا به نظر بیراند: «پس از تحقق انقلاب ایران، ارتش ایران به معنای تمام کلمه تکه پارچه شده است. قسمتی فرار نموده و قسمتی نیز به اتهام هواداری از شاه محاکمه گشته اند. در حال حاضر، این کمبود به وجود آمده را کمیته ای به نام کمیته های انقلاب تلاش

دارند که رفع نمایند. به دلیل قطع رابطه با آمریکا نیز به دلیل عدم تامین قطعات یدکی هلیکوپترها و هواپیماها نیروهای هوایی این کشور نیز به حالت نیمه تعطیل درآمده است.

اگرچه مشکل قومیتها برای مدت کوتاهی حل شده به نظر می رسد ولی با نزدیکی به انتخابات نخست وزیری احتمال بروز عصیان در آذربایجان و کردستان بسیار زیاد است. بدین دو دلیلی حوادث روی داده در ایران برای ترکیه که در همسایگی آن است و احتمال سرایت تاثیرات این تغییرات به ترکیه نیز وجود دارد بسیار مهم می باشد. اگرچه تلاشهایی برای بازسازی ارتش ایران آغاز شده است ولی مدت زمان لازم برای آن طولانی به نظر می رسد. در این شرایط تحمل حمله ی خارجی از سوی ایران دور از انتظار به نظر می رسد. تجهیزات آمریکایی مدرنی که در دست ارتش است نیز به حالت تعطیل درآمده است. بدین سبب به نظر می رسد که مسئولیتهای محول شده برای ارتش ترکیه در شرایط جدید منطقه افزایش پیدا کرده است.

مسئله ی قومیتها در ایران نیز هنوز بسان زخمی است که خون از آن جاری می شود. با تمامی تلاشهای صورت گرفته هنوز دیالوگ همگرایی مابین حاکمان کشور که طرفداران خمینی هستند با کردها محقق نگشته است. بسیاری از جلسات روزهای گذشته نیمه تمام مانده و بحران در کشور ادامه دارد. در آذربایجان نیز عدم رضایت عمیقی وجود دارد. اما خواست آذربایجانی ها مانند کردها تمرکز زیادی در خصوص مسئله قومی ندارد و خواستار حقوق بیشتری در نحوه ی اداره ی حکومت هستند و بدین دلیل با کردها متفاوت است.

اگر قبول نماییم که احتمال تجزیه ی ایران خطری جدی برای ترکیه به همراه دارد، تعقیب تحولات روی داده در آن کشور برای ما نیز مهم می باشد.

شماره ی ۲۰/۴/۱۹۸۲ روزنامه ی ملیت ترکیه مقارن با ۳۱ فروردین ۱۳۶۱ خبر دادگاهی شدن آیت الله شریعتمداری را این چنین درج می کند:

”پس از حبس خانگی آیت الله شریعتمداری رهبر ترکان آذری در ایران بدون اینکه خبری در خصوص وضعیت سلامتی ایشان منتشر گردد رادیو تهران خبر دادگاهی شدن شریعتمداری به همراه دو تن از نزدیکانش و در کنار ایشان وزیر امور خارجه ی سابق صادق قطبی زاده و ۴۰ نفر دیگر به اتهام کودتا به نیت سرنگونی انقلاب اسلامی ایران را منتشر نمود.

مسئول کمیته ی تحقیقات، حجت الاسلام ری شهری در مصاحبه ای که با رادیو تهران نمود درخواست حکم اعدام برای آیت الله شریعتمداری و صادق قطبی زاده به همراه نزدیکانشان را بیان کرد.

آیت الله شریعتمداری که پس از بروز اختلاف با آیت الله خمینی در حبس خانگی به سر می برد به واسطه ی فرزندش که در هامبورگ زندگی می کند با انتشار اطلاعیه ای بیان نمودند که هیچ گونه ارتباطی با مسئله ی کودتا نداشته و نزدیکان وی که در حبس خانگی هستند درخواستهای سیاسی نداشته اند.

پسر شریعتمداری که در تبعید به سر می برد خبر از وجود خطر جانی برای پدرش داد. از دیگر سو، سربازان ایرانی که در جبهه ی عراق پیروزی های مختلفی در روزهای اخیر را شاهد بودند اقدام به تصفیه ی گسترده ی جدائی طلبان در غرب کشور نموده و در دو روز اخیر ۳۰ چریک جدائی طلب کشته شد.“

به دنبال این دادگاهی شدن شماره ی ۲۱/۴/۱۹۸۲ روزنامه ی ملیت مقارن با یکم اردیبهشت ۱۳۶۱ خبر شگفت آوری در خصوص آیت الله شریعتمداری منتشر می نماید. بنا به این خبر، آیت الله شریعتمداری که جهت ممانعت از اعدام آیت الله خمینی با اعتلای وی به درجه ی اجتهاد موافقت نموده بود از سوی آیت الله

خمینی خلع لباس گشته و امتیازات دینی وی سلب گردید. بنا به این شماره از روزنامه ملیت: «خبر سلب اختیارات دینی رهبر دینی تُرکان آذری ایران، آیت الله شریعتمداری منتشر گشته است. آیت الله حسینعلی منتظری طی اعلان تصمیم دیوان عالی دینی به ریاست آیت الله خمینی این خبر را بیان نموده و علت آن را همکاری آیت الله شریعتمداری با وزیر امور خارجه‌ی سابق صادق قطبی زاده که در بازجویی‌های به عمل آمده به توطئه بر علیه آیت الله خمینی و دیگر رهبران انقلاب اعتراف نموده است، بیان نمود.» حکومت نوپای ایران بدین نیز بسنده ننموده و طی خبری که در شماره‌ی ۳۰/۴/۱۹۸۰ روزنامه‌ی ملیت مقارن با دهم اردیبهشت ۱۳۶۱ درج گردید، آیت الله شریعتمداری را جاسوس سازمان «سیا» معرفی کرد. بنا به این خبر:

«رادیو تهران در گزارشی که به بیان نظرات آیت الله خمینی در خصوص لزوم گسترش انقلاب ایران به سرتاسر جهان می پرداخت، ادعا نمود که امید آمریکا به بزرگترین دشمن خمینی، آیت الله شریعتمداری می باشد. سخنگوی مجلس ایران که در رادیو تهران سخن می گفت بیان کرد که از سندهای محرمانه‌ای که از سفارت آمریکا به دست آمده است، آیت الله شریعتمداری برای سازمان جاسوسی آمریکا، سیا، کار می کرد. سخنگو، آیت الله موسوی خوئینی‌ها، بیان نمود که از سندهایی که پس از اشغال سفارت آمریکا در تهران در سال ۱۳۵۷ بدست آمده است جاسوس سیا بودن شریعتمداری قطعی است و به بیان اقدامات شریعتمداری و قطبی زاده برای کودتا پرداخت.»



## وفات آیت الله شریعتمداری و عصیان دگرباره ی تبریز

اعدام آیت الله شریعتمداری می توانست دگرباره سبب غلبان عمومی گردد. بدین دلیل دادگاه تشکیل شده در خصوص ایشان تنها به حبس خانگی وی و فسخ رتبه ی دینی ایشان بسنده نمود. پس از این تاریخ آیت الله شریعتمداری چهار سال آتی را در حبس خانگی به سر برد و با وخامت وضعیت جسمانی اش و عدم رسیدگی مناسب پزشکی در بیمارستان، دار فانی را وداع گفت. خبر فوت آیت الله شریعتمداری بازتاب گسترده ای در تبریز پیدا نمود و مردم تبریز با در دست گرفتن عکس ایشان اقدام به راهپیمایی گسترده ای زدند. حکومت جمهوری اسلامی ایران پس از مرگ این مجتهد دینی نیز خصم خویش را پنهان نموده و مراسم دفنی مخفیانه و محقرانه رقم زد. شماره ی ۴/۴/۱۹۸۶ روزنامه ی ملیت خبر فوت شریعتمداری را این چنین درج نمود:

”آیت الله شریعتمداری رهبر ۲۰ میلیون تُرک آذری در ایران دیروز در اثنای تداوی در بیمارستان بهرام تهران دار فانی را وداع گفت.

پس از بروز اختلاف با آیت الله خمینی رهبر دینی ایران، شریعتمداری که از سال ۱۹۸۲ در حبس خانگی در شهر قم به سر می برد، چند ماه پیش دچار سرطان پروستات شده و اجازه ی مداوا در بیمارستانی در تهران به وی داده شده بود. در روزهای گذشته ۳۰۰ هزار تُرک آذری ساکن در ترکیه با درخواست از کنعان ائورن رئیس جمهور ترکیه خواهان مهیا نمودن شرایط درمان آیت الله شریعتمداری در ترکیه گشته بودند.

خبر فوت این رهبر ۸۵ ساله تاثیر شوک آمیزی در تهران و سپس شهر تُرک نشین تبریز داشته است. پس از قطعی شدن خبر، از دیشب کوچه های تبریز شاهد تجمع های پراکنده بود اما نکته ی قابل توجه عدم دخالت پاسداران وابسته به خمینی بود. در کنار این امر، طرفداران آیت الله شریعتمداری ضمن فرستادن پیام تسلیت به خانواده ی ایشان، تمامی دوستداران آیت الله شریعتمداری را به اعتصاب عمومی دعوت نمودند. در ضمن تعداد زیادی از پیروان آیت الله شریعتمداری که در اطراف بیمارستان بهرام، محل تداوی ایشان جمع شده بودند اجازه ی ورود سید احمد خمینی فرزند آیت الله خمینی را به داخل بیمارستان نداده و شعارهای اعتراض آمیز سر دادند.“

در روز دوم قطعی یافتن خبر وفات آیت الله شریعتمداری تظاهرات گسترده ای در تبریز رقم خورد و روزنامه ی ملیت تحت ذیل تیتیر ”وضعیت بحرانی در تبریز“ به ارائه ی گزارش از این روز پرداخت. گزارش درج شده در شماره ی ۵/۴/۱۹۸۶ روزنامه ی ملیت به قرار ذیل است:

”پیکر آیت الله شریعتمداری که روز گذشته در تهران فوت نمود به دستور آیت الله خمینی با ابطال و نادیده گرفتن وصیت اش به صورت مخفیانه دفن گردید. در این میان تجمع های بیش از دو نفر در تبریز که شاهد اعتراضات گسترده بر علیه حکومت بود، ممنوع گشت. بنا به خبرهای رسیده از تهران پایتخت ایران، وضعیت جسمانی آیت الله شریعتمداری سه هفته پیش رو به وخامت گذاشت که بدین سبب به بیمارستان بهرام در تهران انتقال یافت و آیت الله روز سه شنبه به هوش آمد.

پس از به هوش آمدن وصیت خود مبنی بر اینکه در صورت فوت خواهان انتقال به قم و دفن در خانه ی خویش یا حرم حضرت معصومه و اقامه ی نمازش از سوی عالم دینی لبنانی ساکن در ایران آیت الله سیدرضا

صدر می باشد را به نزدیکانش بیان نمود. وضعیت جسمانی وی که بهتر گشته و در آستانه‌ی خارج شدن از بخش مراقبت‌های ویژه بود ناگهان روز گذشته رو به وخامت گذاشته و منجر به فوتشان گشت. با انتشار خبر فوت ایشان مرکز آذری های ایران شهر تبریز شاهد راهپیمایی گشته و حکومت جهت جلوگیری از گسترده شدن راهپیمایی‌ها تصمیم بر تسریع دفن ایشان گرفت. نیمه شب گذشته تعداد زیادی از نیروهای سپاه پاسداران به دستور خمینی به بیمارستان بهرام رفته و جنازه‌ی آیت الله شریعتمداری را پس از انتقال به شهر قم در قبرستانی کوچک به نام ابوحسین دفن نمودند.

خبر وفات شریعتمداری و عدم عمل به وصیتشان سبب خشم تُرکان آذری شده و باعث به وجود آمدن بحران در تبریز شد. نکته‌ی جالب توجه در این اعتراضات عدم دخالت سپاهیان تبریزی در قبال اعتراضات بود به همین دلیل جهت جلوگیری از اشاعه‌ی اعتراضات به مناطق دیگر هرگونه تجمع در مکانهای عمومی در تبریز ممنوع شد.

با این ممنوعیت روی داده جهت انجام مراسم عزاداری در ایران برای آیت الله شریعتمداری طرفداران ایشان در کشور ترکیه اقدام به برگزاری مراسم عزاداری نمودند. تمامی مقدمات لازم انجام شد ولی با فشار سفارت جمهوری اسلامی ایران در آنکارا مجلس ختم آیت الله شریعتمداری در ترکیه نیز ابطال شد. روزنامه‌ی ملیت ترکیه طی شماره‌ی ۱۵/۴/۱۹۸۶ خود به درج این خبر با جملات زیر پرداخت:

”مجلس ختم در نظر گرفته شده در شهر استانبول برای آیت الله شریعتمداری رهبر بیست میلیون تُرک آذری در ایران که هفته‌ی گذشته فوت نمود از سوی وزارت امور دینی ترکیه ابطال گردید. کمیته‌ی برگزاری این مجلس ختم علت ابطال را فشار وارده از سوی حکومت ایران بیان نمود. این مجلس ختم قرار بود پس از نماز ظهر در مسجد ”والده“ی آکسارای استانبول برگزار گردد. بنا به اظهارات کمیته‌ی برگزاری این مجلس مسئولین سفارت جمهوری اسلامی ایران در آنکارا با حضور در وزارت امور خارجه‌ی ترکیه خواهان ابطال این مجلس گشته بودند. تصمیم ممنوعیت این مجلس از سوی وزارت امور دینی به اداره‌ی امور دینی در استانبول ابلاغ گشته و با بسته شدن مسجد، تُرکان آذری که برای شرکت در این مجلس آمده بودند مجبور به بازگشت شدند.“